

# بازسازی اجتماعی و آموزش و پرورش

طاهره جلالوند

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش  
دبیر و مشاور تحصیلی منطقه ۴ آموزش و پرورش تهران

## چکیده

آشنایی با دیدگاه‌های گوناگون در زمینه فلسفه آموزش و پرورش برای معلمان ضروری است تا از این رهگذر ارتباط برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس را با دیدگاه‌های فلسفی بشناسند. این قابلیت به مربیان کمک می‌کند تا خط‌مشی‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش را نقد و بررسی کنند. پژوهش‌های فلسفی پرورشکاران را در بررسی تصمیمات و مسائل یاری می‌دهند. متقابلاً هم فلسفه آموزش و پرورش ممکن است از تجارب، عملکردها و عقاید مربیان استفاده کند. فلسفه آموزش و پرورش زمینه‌ای است برای برانگیختن اندیشیدن، گشودن افق‌های نو و وارها نیدن آدمی از پیش‌داوری‌ها و تنگناها؛ پیش‌داوری‌ها و تنگناهایی که همواره از وضعیت‌های اجتماعی و فرهنگی - و حتی از محدودیت‌های طبیعی آدمی - پدید می‌آیند [نقیب‌زاده، ۱۳۷۹].

بر این اساس، توجه به فلسفه‌های تعلیم و تربیت موجود و بررسی مضامین محتوایی آن‌ها خواهد توانست افق‌ها و چشم‌اندازهای پیش‌روی مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را به‌صورت گسترده‌تری ترسیم کند و بینش‌های عمیق‌تری را در آنان پدید آورد. یکی از فلسفه‌های موجود و مطرح در آموزش و پرورش، نظریه بازسازی اجتماعی است که تلاش دارد هدف تعلیم و تربیت را، نه به معنای سازگاری، بلکه به معنای نوزایی و غلبه بر مسائل اجتماعی عنوان کند و تربیت افراد برای یک جامعه آرمانی مدنظر قرار دهد.

تأکید می‌ورزد، پیروی می‌کنند. بازسازی گرایان با بهره‌گیری از تأکید دیویی، بر دوباره‌سازی تجربه اجتماعی و فرهنگی پافشاری می‌کنند [قلناش، ۱۳۹۱].

طرفداران بازسازی اجتماعی جامعه معاصر را با بحرانی روبه‌رو می‌بینند که از بی‌میلی بشریت نسبت به بازسازی نهادها و ارزش‌های خود به منظور تأمین نیازمندی‌های جدید برمی‌خیزد. این گروه معتقدند، برای حل این بحران نیاز است که انسان‌ها میراث خود را بازبینی کنند و عوامل ماندگاری را که برای حل بحران کنونی مفید خواهند بود، شناسایی کنند.

در بازسازی اجتماعی، هدف تعلیم و تربیت، نه سازگاری بلکه نوزایی و غلبه بر مسائل اجتماعی است. افراد برای جامعه آرمانی آینده تربیت می‌شوند و باید به‌صورت فعال سرنوشت جامعه را به‌دست گیرند. مربیان آموزشی نه تنها انتقال‌دهنده فرهنگ هستند، بلکه خود رهبران فرهنگی نیز محسوب می‌شوند. نقش معلم آماده ساختن انسان‌ها برای گذر از بحران‌های ناگوار اجتماعی به یک آینده آرمانی است. در حال حاضر آنان به جای اینکه رهبران

برنامه‌هایی ابداع کنند. به عقیده طرفداران این نظریه، معلمان می‌باید از قدرت خود به منظور رهبری شاگردان در برنامه‌های مهندسی و اصلاح اجتماعی بهره بگیرند. اندیشمندان بازسازی اجتماعی از مکتب «عمل‌گرایی» جان دیویی که بر ضرورت تجدیدنظر در تجربه‌های فردی و اجتماعی

کلیدواژه‌ها: فلسفه آموزش و پرورش، بازسازی اجتماعی، پرورشکار، جامعه، فرهنگ

## مقدمه

نظریه «بازسازی اجتماعی»<sup>۱</sup> بر این باور است که مربیان تعلیم و تربیت (پرورشکاران) می‌باید برای اصلاح جامعه، سیاست‌ها و



۱. بررسی نقادانه میراث فرهنگی.
۲. تعهد نسبت به کوشش برای انجام اصلاحات اجتماعی عامدانه.
۳. بازنگری در برنامه‌ریزی به نحوی که بتوان مسیر تجدیدنظر فرهنگی را ترسیم کرد.
۴. آزمون طرح‌های فرهنگی از طریق اجرای برنامه‌های اصلاح اجتماعی عامدانه. بر این اساس، از نظر بازسازی گرایان اجتماعی، همه اصلاحات اجتماعی از شرایط موجود زندگی نشئت می‌گیرند. لذا آنان از دانش‌آموزان انتظار دارند، مسائل مهمی را که بشریت با آن‌ها روبه‌روست، تعریف و نیروهای پویای زمان حال را شناسایی کنند. در عین حال، متعلمان یا همان یادگیرندگان، می‌باید سنت‌ها، اعتقادات و ارزش‌هایی را که مانع بازسازی اجتماعی می‌شوند، کشف کنند، ارزش‌هایی را که صرفاً جنبه سنتی دارند، بازسازی کنند، و شیوه‌های تفکر سنتی و کلیشه‌ای را که موجب نابردباری، تبعیض و خرافات هستند، شناسایی کنند و دور بریزند.

### جرج اس. کاونتس، پیشگام بازسازی اجتماعی

جرج کاونتس<sup>۴</sup> (۱۸۸۹-۱۹۷۴) پرورشکاری بود که بازسازی اجتماعی را ترغیب می‌کرد. او که روستازاده‌ای کانزاسی (یکی از ایالت‌های آمریکا) بود و خود بسته شدن مرزهای جغرافیایی آمریکا را مشاهده کرده بود، اعتقاد داشت که افق‌های نوینی

به عقیده بازسازی‌گرایان اجتماعی، ریشه این بحران را گسستگی ارزش‌های انسانی از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی تشکیل می‌دهد. آنان معتقدند، در همان زمانی که نیروهای پویای علم و فناوری، محیط مادی را دگرگون ساخته‌اند، طرز فکر برجای مانده از گذشته‌های آرمانی شده، درصدد نگهداری وضع موجود است. بازسازی‌گرایان در عین حال که مطالعه گذشته را به منظور کشف عناصر فرهنگی ماندگار و کارساز می‌پذیرند، اما برای نظریه‌هایی که بر بازگشت به «ایام خوش گذشته» اصرار می‌ورزند، بهایی قائل نمی‌شوند. به عقیده آنان، حسرت خوردن بر گذشته‌های بی‌دغدغه<sup>۲</sup> غالباً به مثابه سرپوشی ایدئولوژیک است که محافظه‌کاران جدید از آن برای حفظ وضع موجود بهره می‌گیرند [قلناش، ۱۳۹۱ و پاک‌سرشت، ۱۳۸۹].

### بازسازی فرهنگی

بازسازی‌گرایان اجتماعی معتقدند که همه اصلاحات اجتماعی از شرایط موجود زندگی نشئت می‌گیرند. آنان بر این باورند که تضمین ادامه حیات انسانی و آفرینش تمدنی انسانی‌تر، مستلزم آن است که انسان‌ها به مهندسانی اجتماعی تبدیل شوند که قادر باشند، مسیر تحول را طرح‌ریزی و از علم و فناوری برای نیل به آرمان‌های مطلوب بهره‌گیری کنند. از این‌رو به نظر آنان، آموزش و پرورش مبتنی بر بازسازی اجتماعی می‌باید امور زیر را ترویج کند:

فعالی در زمینه شکل‌دهی به نگرش‌های جدید اجتماعی باشند، بیشتر بر مقررات اجتماعی تأکید می‌ورزند. در رویکرد بازسازی اجتماعی، «یادگیری» به‌عنوان توانایی حل مسئله در یک زمینه اجتماعی تعریف می‌شود [پیشین].

### بحران فرهنگی و بازسازی

بازسازی‌گرایان اجتماعی معتقدند، جامعه جدید به علت بی‌میلی‌اش به بازسازی بنیادی فرهنگی، بحران عمیقی را تجربه می‌کند. از نظر آنان، ثروت در انحصار عده قلیلی است. اکثریت مردم با معیشت تنگی که با فقر شدید قرین است، دست و پنجه نرم می‌کنند. حتی در ایالات متحده آمریکا، شمار زیادی از مردم، به‌ویژه اعضای گروه‌های اقلیت قربانی سال‌های طولانی فقر و تبعیض شده‌اند. در مقیاس بین‌المللی نیز، دو سوم جمعیت صرفاً با نان بخور و نمیری ادامه حیات می‌دهند. طرف‌داران بازسازی اجتماعی، تناقض بین فقر و غنا را پس‌مانده «گذشته ماقبل علمی»<sup>۲</sup> تلقی می‌کنند. تنش‌های بین‌المللی و جنگ و یا خطر آن، جهان را پریشان ساخته است. افزون بر این، بازسازی‌گرایان به شمار بسیار زیادی از تعارضات حل‌نشده و هدر رفتن منابع انسانی اشاره می‌کنند. مسائلی از قبیل بالا رفتن جمعیت، آلودگی محیط‌زیست، خشونت، و تروریسم علائم بحران فراگیر کنونی به‌شمار می‌آیند [پاک‌سرشت، ۱۳۸۹].

باید در افکار انسانی و نهادهای اجتماعی گشوده شوند. کاونتس که دکترایش را در سال ۱۹۱۶ از دانشگاه شیکاگو گرفت، نظریه اجتماعی را درباره مسائل تربیتی اعمال کرد. اگرچه خود را رسماً در زمره کسانی که طرفدار بازسازی اجتماعی محسوب می‌شدند، قرار نداد، ولی تحلیل نظریه تربیتی او روشن‌کننده مضامینی است که برای مریبان بازسازی‌گرا اهمیت محوری دارد. این پرسش کاونتس که «آیا مدرسه شهامت ایجاد نظم نوین اجتماعی را دارد؟» و نام یکی از کتاب‌های اوست، پیش از آنکه پاسخی دریافت کند، هیجانی به وجود آورد که تا امروز هم ادامه دارد. از نظر کاونتس، یورش سریع به سوی شیوه زندگی بسیار پیچیده صنعتی، فناوری و علمی، شیوه‌های سنتی تر کشاورزی و محلی را کنار زد و بر اثر این تحولات، تجمعات پراکنده خانوارها و شهرک‌ها به جامعه توده‌واری تبدیل شدند که خصیصه ویژه آن‌ها را تمایزات دقیق ساختاری و کارکردی تشکیل می‌دهد. به نظر وی، این تحولات سریع اگرچه در درجه نخست خود مادی می‌نمودند، اما وجوه اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و هنری زندگی را نیز متأثر ساختند [پاک‌سرشت، ۱۳۸۹]. وی معتقد بود که نفس تحول ضرورتاً بحران‌آفرین نیست. بحران زمانی رخ

می‌دهد که افراد برای مقابله با تغییر و تنظیم فرایندهای آن آمادگی نداشته باشند. لذا چون مردم در این حالت نسبت به بازسازی اجتماعی بی‌میلی نشان می‌دهند، بی‌ثباتی و ناسازگاری به‌عنوان شاخصه‌های دوره تحولات عمیق کنونی، ظهور می‌کنند. در ادامه به برخی از نظرات شاخص وی در این خصوص می‌پردازیم.

### الف) نظریه تأخر فرهنگی<sup>۵</sup>

کاونتس معتقد است، هرگاه خلاقیت فناوری بشر بر آگاهی اخلاقی و سازمان اجتماعی پیشی بگیرد، تأخری (رکودی) روی می‌دهد. لذا بحران سازمانی بر اثر سلسله‌ای طولانی از ناسازگاری‌ها که بین نگرش‌ها و ارزش‌های به ارث رسیده از یک‌سو، و نوآوری‌های فناوریانه از سوی دیگر رخ می‌دهند، بروز می‌کند. به عقیده او نکته مهم آن است که در این شرایط، نظریه تربیتی می‌باید به منظور آماده ساختن مردم برای حل بحران‌های اجتماعی از طریق بازسازی افکار، ارزش‌ها و باورها در پرتو شرایط متغیر صورت‌بندی شود. کاونتس همه پرورشکاران را واداشت که مسئولیت‌های «زاماداری تربیتی» را نیز عهده‌دار شوند. او زمامدار تربیتی را به‌عنوان رهبر، حامی شیوه‌ها و وسایل ضروری، و فرد صاحب‌اندیشه و مبتکر سیاست‌گذاری وسیع

تعریف می‌کرد و در این حال از آنان می‌خواست که فلسفه فرهنگی آموزش و پرورش برای زندگی جدید را نیز تدوین کنند.

### ب) اهمیت فناوری

از آنجا که فناوری علم را در زندگی به کار می‌بندد، باید نقش علم را در فلسفه بازسازی شده تعلیم و تربیت بررسی کرد. کاونتس علم را به‌عنوان دقیق‌ترین ابزار و روش مشکل‌گشایی انسان در نظر می‌گیرد. علم به‌عنوان روشی عقلانی، معرفت منظم و دقیق به‌بار می‌آورد. کاونتس که علم را به «روش شعور متعارف سازمان یافته و نقادانه» تعریف می‌کرد، آن را به سه صورت زیر شرح و توصیف کرده است:

۱. روش علمی از فرضیه‌ای که از تجربه، معرفت و اندیشه قبلی سرچشمه می‌گیرد، آغاز می‌شود.
  ۲. فرضیه به مدد فرایندی از مشاهده باریک‌بینانه و کارآمد که دقیق‌ترین ابزارها را به خدمت می‌گیرد، آزمایش می‌شود.
  ۳. اطلاعات گردآوری می‌شوند و فرضیه بر مبنای حقیقت‌یابی تجربی و همگانی تأیید و یا رد می‌شود.
- به نظر او، عصر فناوری امکان بازسازی مداوم اقتصاد، جامعه، آموزش و پرورش، حکومت و اخلاق را فراهم می‌آورد. از نگاه وی، فناوری ابزار قدرتمندی نیست که



فقط زاندهای برای تمدن باشد، بلکه شامل نظامی از روابط است که پیوسته قالب‌های اجتماعی را تغییر می‌دهد.

### ج) مدرسه و بازسازی فرهنگی

در صورت‌بندی یک فلسفه تربیتی بالنده، مربی و پرورشکار بازسازی مآب، مدرسه را به‌عنوان نهادی فرهنگی، به دقت مطمح‌نظر قرار می‌دهد. اما جانب احتیاط را رها نمی‌کند تا درباره توان بالقوه مدرسه، در مقام ابزاری برای بازسازی، مبالغه صورت نگیرد. کاونتس در این راستا در طرح برنامه تربیتی دموکراتیک خود بر دو هدف عمده تأکید می‌ورزید:

- پرورش عادات، تمایلات، و هم‌بستگی‌های دموکراتیک؛
  - اکتساب معرفت و بینش برای مشارکت هوشمندانه در جامعه دموکراتیک.
- او معتقد بود، آموزش و پرورش همگانی باید این امور را در فرد پرورش دهد: احساس لیاقت و کفایت؛ وفاداری نسبت به برابری انسان‌ها؛ برادری، متانت و شایستگی؛ وفاداری نسبت به روش‌های دموکراتیک گفت و شنود، انتقاد و تصمیم‌گیری؛ طرز فکری با مشخصه صداقت و روحیه علمی؛ و احترام به ذوق و استعداد کارآموزی و منش. از نظر کاونتس، هر نسلی که وارد مشارکت اجتماعی می‌شود، مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های جامعه را فرامی‌گیرد. بدون

این انتقال و تداوم، هر جامعه‌ای محکوم به فناست. نیروی فعال افراد نه بر اثر جدا کردن آنان از سنت، بلکه از راه آشنا ساختن آنان به سنتی زنده و بالنده آزاد می‌شود.

### نتیجه‌گیری

پرورشکاران طرفدار بازسازی اجتماعی، مدارس را به‌عنوان مراکزی می‌بینند که در آن‌ها معلمان و شاگردان با مسائل حاد جامعه، نه صرفاً برای انجام پژوهش‌های آکادمیک، بلکه برای آنکه به تحقیق و مشکل‌گشایی عمل‌محورانه دست یازند، دست و پنجه نرم می‌کنند. در چنین مدارس پژوهش‌مداری، بازسازی‌گرایان سعی دارند:

۱. مدرسه را در بطن جامعه قرار دهند.
  ۲. از مدرسه به مثابه ابزاری یا نهادی برای تحول و اصلاح جهت‌دار بهره‌گیری کنند.
  ۳. مسائل جاری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی را شناسایی کنند.
- بدین ترتیب، مربیانی که از نظریه بازسازی اجتماعی پیروی می‌کنند، به مشکلات اجتماعی به دید مسئله می‌نگرند و در مرحله تحقیق درباره مسئله، اطلاعات برای آنان مهم است. اما هم‌زمان نیاز است که معلمان و دانش‌آموزان، ضمن اعمال شیوه‌های فعالانه یادگیری، برای حل مسئله دست به کار شوند و آن را حل کنند. لذا در رویکرد مسئله‌مدار و عمل‌محور برخورد با مسائل عمده اجتماعی، بازسازی‌گرایان پرسش‌های محوری را در این قالب‌ها مطرح می‌کنند:

- عناصر بالنده فرهنگ و حیطة‌هایی از معرفت که آن‌ها را تبیین می‌کنند، کدام‌اند؟
  - حیطة‌های مشکل‌آفرین و مسائلی که جامعه را متأثر می‌کنند، چیستند؟
  - چگونه می‌توان مشکلات حیطة‌های مشکل‌آفرین را حل کرد، به‌گونه‌ای که راه‌حل‌ها به‌صورت جزئی از فرهنگ و جامعه بازسازی شده به‌دست آید؟
- بدین ترتیب بازسازی‌گرایان استدلال می‌کنند که پرورشکاران - اعم از مدیران و معلمان - نیازمندند از بافت اجتماعی که آموزش و پرورش در آن جریان دارد، آگاه باشند. این شناخت آنان را یاری می‌دهد تا

نخست موقعیت اجتماعی را درک و سپس راهبردهایی برای بازسازی آن تدوین کنند. بنابر آنچه گفته شد، بازسازی اجتماعی نظریه‌ای است که برای ایجاد جامعه‌ای نو تلاش می‌کند. طبق دیدگاه بازسازی اجتماعی، یکی از وظایف مهم مدرسه آن است که تشخیص بحران‌های جامعه جدید را آسان کند. از نظر آنان، مدارس باید مسائل عمده اجتماعی را که در ایجاد بحران‌های فرهنگی سهیم‌اند، شناسایی کنند و مهارت‌ها و نگرش‌هایی را که این مسائل را حل می‌کنند، به‌وجود آورند. از نظر بازسازی‌گرایان، معلمان نباید از تعهد نسبت به ساختن جامعه جدید بیم‌داشته باشند.

به روشنی می‌توان چنین نتیجه گرفت که مطالعه فلسفه تعلیم و تربیت موجب خواهد شد که معلمان درباره آموزش و پرورش در مقیاس کلی بیندیشند و در برابر راه‌حل‌های معجزه‌آسا و شعارهای تبلیغاتی دست‌خوش وسوسه نشوند. شاید مطالعه فلسفه آموزش و پرورش به معلمان کمک کند دریابند که نوآوری‌های سازمانی و آموزشی را می‌توان برای مقاصد مختلف به‌کار برد و به پیامدهای فراوانی دست یافت. و سرانجام امید آن می‌رود که معلمان با تجهیز به فلسفه آموزش و پرورش ترغیب شوند که اهداف وسیع، شخصی و حرفه‌ای را که باید هدایتگر عمل و تربیت باشند، بررسی و صورت‌بندی کنند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. social reconstructionism
2. perscientific past
3. nostalgia
4. George S.Counts
5. cultural-lag

#### منابع

۱. قلتاش، عباس (۱۳۹۱). مقاله مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت، بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. گوتک، جرالده ال (۱۳۸۹). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت. انتشارات سمت. تهران.
۳. نقیب‌زاده، میرعبدالحمید (۱۳۸۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. انتشارات طهوری. تهران.

